

کتابخانه ملی چیست و چه می‌کند؟

دکتر نورالله مرادی^۱

مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

چکیده

ارائه تعریفی از کتابخانه ملی کار مشکلی است. متخصصان فقط در یک وظیفه کتابخانه ملی، آن هم گردآوری، ساماندهی و حفظ و نگهداری انتشارات کشور توافق دارند. کتابخانه ملی پدیده‌ای نسبتاً جدید است و تاریخ آن به سه قرن اخیر، همزمان با رشد ملی‌گرایی کشورهای اروپایی و ضرورت کسب هویت ملی می‌رسد. رشد علم مدرن و توسعه صنعتی، اقتصادی و اجتماعی نیز در ضرورت تأسیس کتابخانه ملی تأثیر داشته است. نخستین کتابخانه ملی پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه، در آن کشور تأسیس شد و در سده ۱۹ بسیاری از کشورهای اروپایی و در سده ۲۰ کشورهای آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین به‌ویژه در دوران مبارزات ضد استعماری خود اقدام به تأسیس کتابخانه ملی می‌کردند.

در قرن ۲۰ چند رویداد مهم در کتابداری جهان سبب شد تا کتابخانه‌های ملی نسبت به کارکرد و وظایف خود تجدید نظر کنند. رویدادهای خارج از حوزه کتابداری عبارت بودند از توسعه علم مدرن، به‌خصوص دو خصیصه تشعب و وحدت در علم، افزایش روز افزون حجم و تنوع انتشارات که موجب تغییر و تحولاتی در نظام‌های سازماندهی در کتابداری شد. در حوزه کتابداری - به نقل از موريس لاین - وظایف کتابخانه‌های ملی را به چهار گروه: تولیدی، خدمات ملی، برنامه‌ریزی و نظارت ملی، و رهبری ملی می‌توان تقسیم کرد. علاوه بر این پاسداری از گنجینه میراث ملی و هویت ملی نیز بر عهده کتابخانه ملی است. در سده ۲۱ کتابخانه‌های ملی باید خود را با تحولات جهانی و پیشرفت فناوری هماهنگ کنند و از این موقعیت استفاده کنند.

کلیدواژه: کتابخانه ملی

ارائه تعریفی جامع روشن از کتابخانه ملی کار چندان ساده‌ای نیست. در کتابداری نوین «کتابخانه ملی» طیف گسترده‌ای از کتابخانه‌ها را در سرتاسر جهان در برمی‌گیرد که از نظر ماهیت و فعالیت با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. اما همه متخصصان کتابداری در مورد یک وظیفه کتابداری اتفاق نظر دارند و آن هم گردآوری و اشاعه انتشاراتی است که در محدوده جغرافیایی آن کشور منتشر می‌شود. یونسکو در توصیه‌هایی در ارتباط با استاندارد کردن آمارهای کتابداری که سال ۱۹۷۰ منتشر کرد، کتابخانه ملی را این چنین تعریف می‌کند:

کتابخانه‌های ملی _ فارغ از اینکه به چه نامی خوانده شوند مسئول فراهم‌آوری، حفظ و نگهداری نسخه‌هایی از انتشاراتی هستند که در کشور متبوع آنها منتشر می‌شوند و در حکم یک کتابخانه «واسپاری» عمل می‌کنند، خواه به استناد قانون و خواه به هر دلیل دیگر. کتابخانه‌های ملی عمدتاً چند وظیفه را بر عهده دارند: تولید کتاب‌شناسی ملی؛ تهیه و روز آمد کردن مجموعه‌ای بزرگ و چشمگیر از متون خارجی، از جمله کتاب‌هایی که درباره کشور متبوع آنها منتشر شد؛ انجام وظیفه به عنوان مرکز اطلاعات کتاب‌شناختی ملی؛ تهیه فهرستگان ملی و انتشار کتاب‌شناسی ملی گذشته‌نگر. اگر کتابخانه‌ای «ملی» خوانده شود، لیکن آنچه می‌کند با وظایفی که بر شمرده شد مطابقت نداشته باشد، در زمره کتابخانه‌های ملی محسوب نمی‌شود.

کتابخانه ملی را می‌توان از مظاهر «ملی‌گرایی» و

رشد کرد و این دولت‌ها مؤسسات و نهادهایی را به این منظور برپا کردند. از جمله آرشوها و موزه‌های ملی و «کتابخانه‌ای» که وظیفه گردآوری، حفظ و نگهداری انتشاراتی را که حاصل فعالیت‌های ذهنی و علمی شهروندان کشور بود برعهده داشت. نخستین «کتابخانه ملی» در سال ۱۷۹۵ در پاریس برپا شد. در نخستین سال‌های استقرار حکومت انقلابی فرانسه به دستور کنوانسیون ملی از کتابخانه سلطنتی و مجموعه‌های کتاب‌هایی که از کاخ‌های اشراف و دولتمردان رژیم قبلی مصادره شده بود کتابخانه جدیدی ساخته شد که نام «بیبلیوتک ناسیونال» (کتابخانه ملی) بر سر در آن نصب شد.

در قرن ۱۹ در بیش از ۲۰ کشور کتابخانه ملی احداث شد. در قرن ۲۰ با رشد جنبش ملی‌گرایی در سرزمین‌های مستعمره، ضرورت کسب هویت ملی اهمیت زیادیتری یافت، از این‌رو شاهد تأسیس کتابخانه ملی در بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکایی لاتین هستیم. این روند در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم سرعت بیشتری به خود گرفت. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵ تعداد ۱۳ کتابخانه ملی در کشورهای مختلف جهان تأسیس شده است. نیمه دوم قرن ۲۰ در ساختار کتابخانه‌های ملی قدیمی بازنگری اساسی شد. از آن جمله می‌توان از کتابخانه بریتانیا نام برد که از مجموع کتابخانه‌های موزه بریتانیا، کتابخانه ملی آمانی علوم و فنون، چهار مرکز دیگر به وجود آمد و اکنون یکی از فعال‌ترین کتابخانه ملی جهان است.

نیمه قرن بیستم حدود ۳۰ کتابخانه در کشورهای مختلف جهان بی‌آنکه نام «کتابخانه ملی» را داشته باشند عهده‌دار وظایف کتابخانه ملی آن کشورها بودند. مانند کتابخانه کنگره آمریکا، کتابخانه دایت (مجلس) ژاپن، کتابخانه پژوهشی فرهنگستان اوکراین، کتابخانه دانشگاه سوئد. در سال‌های اخیر تعدادی از این کتابخانه‌ها نیز رسماً نام «کتابخانه ملی» را بر خود نهادند. مانند کتابخانه ملی استرالیا که در ۱۹۰۲ با عنوان کتابخانه پارلمان استرالیا آغاز به کار کرد و در ۱۹۶۰ از پارلمان جدا شد و نام کتابخانه ملی استرالیا را بر خود نهاد.

کتابخانه‌های ملی لااقل در یکصدوپنجاه سال اول توسعه‌شان، سیاست‌هایی نسبتاً محافظه‌کارانه در ارائه خدماتشان به عموم داشتند. زیرا هدف اولیه از تأسیس کتابخانه‌های ملی گردآوری و حفظ و نگهداری انتشارات کشورشان بود. کاری که بیشتر جنبه «آرشویی و موزه‌ای» داشت، تا «کتابداری»، یعنی هدف بیشتر حفظ و نگهداری منابع انتشار یافته در کشورشان اعم از خطی و چاپی بود. به‌علاوه، چون اکثر آنها بر پایه کتابخانه‌های دانشگاهی

تأسیس «دولت ملی» دانست و از این رو از عمرش بیش از سه سده نمی‌گذرد. از همان زمان که بسیاری از کشورهای اروپایی - صرف نظر از نوع حکومتی که داشتند - به اهمیت سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های علمی منظم پی بردند تا بتوانند تحولات و رفاه اقتصادی و قدرت نظامی خود را تضمین کنند. با رشد «ملی‌گرایی» و شکل گرفتن «ملت» و تأسیس «دولت ملی» حمایت از علم و دانشمندان که تا آن زمان بیشتر جنبه محلی داشت (به عنوان مثال حمایت‌های خاندان مدسی از هنرمندان و دانشمندان) به حمایت ملی بدل شد. انجمن‌های علمی و فرهنگستان‌های علوم در این زمینه نقش بسیار حیاتی و مهمی را ایفا کردند. از نیمه سده هفدهم تا پایان سده هجدهم حدود ۷۰ فرهنگستان رسمی و انجمن علمی تأسیس شد که در بین آنها شاهد برپایی و توسعه انجمن‌های علمی رسمی دولتی بزرگی هستیم؛ مانند انجمن سلطنتی لندن (۱۶۶۲)، فرهنگستان سلطنتی علوم پاریس (۱۶۶۲) که جانشین انجمن‌هایی شدند که اهداف محدودی داشتند. در دهه‌های بعد فرهنگستان‌های علوم برلین، روسیه، نروژ، سوئد - و در آن سوی اقیانوس اطلس - در دوزانیرو تأسیس شدند. همپای این انجمن‌های علمی و فرهنگستان‌ها، دانشگاه‌ها و نظام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه رشد چشمگیری کردند و تعداد دانش‌آموختگان و باسوادان جامعه‌های اروپایی هر دهه، بیشتر و بیشتر شد. در چنین شرایطی، طبیعتاً کتابخانه‌های مدارس و دانشگاهی و به برکت پیشرفت علم و تکنولوژی کتابخانه‌های تخصصی نیز رشد فزاینده‌ای پیدا کردند.

در نیمه سده پانزدهم علم مدرن آغاز شد. با رشد علم نوین و انقلاب صنعتی وضعیت اقتصادی و فرهنگی تغییر کرد و آهنگ تغییرات رشد شتابانی به‌خود گرفت. اگر قانون واسپاری که ناشران کشور را موظف می‌کرد نسخه یا نسخه‌هایی از کتاب‌های منتشره خود را به کتابخانه ایالتی یا سلطنتی کشور متبوعشان ارسال کنند ملاک قرار دهیم، می‌توانیم تاریخ تأسیس هسته اولیه کتابخانه‌های ملی را تا قرن‌های ۱۵ و ۱۶ عقب ببریم. از جمله می‌توان از کتابخانه مارچانا^۲ در ونیز (۱۴۶۸)، کتابخانه سلطنتی فرانسه در پاریس، کتابخانه اتریش در وین؛ کتابخانه دولتی بایرن در مونیخ (۱۵۵۸) و کتابخانه سلطنتی بروکسل (۱۵۵۹) نام برد.

با استحکام طبقه بورژوازی و افزایش قدرت دولت‌های ملی که در پی کسب هویت ملی برای مشروعیت بخشیدن به قدرت حکومتی خود در برابر دیگر کشورها و به‌خصوص قدرت کلیسایی پاپ بودند، ناسیونالیسم در کشورهای اروپایی

همه متخصصان کتابداری در مورد یک وظیفه کتابداری اتفاق نظر دارند و آن هم گردآوری و اشاعه انتشاراتی است که در محدوده جغرافیایی آن کشور منتشر می‌شود

در قرن ۲۰ با رشد جنبش ملی‌گرایی در سرزمین‌های مستعمره، ضرورت کسب هویت ملی اهمیت زیادتری یافت، از این رو شاهد تأسیس کتابخانه ملی در بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین هستیم

ساخته شده بودند، کارکردهای قدیمی آن کتابخانه‌ها را حفظ کرده بودند و اگر می‌خواستند به کسانی خدمات کتابخانه‌ای ارائه دهند همان مراجعان کتابخانه‌های دانشگاهی، یعنی دانشجویان و هیأت علمی و آموزشی دانشگاه‌ها بودند.

به دلیل سیاست آرشویی در حفظ و نگهداری منابع، کتابخانه‌های ملی از موقعیت استثنایی و مستثلی برخوردار بودند و در بسیاری از فعالیت‌های کتابخانه‌ای - مثلاً امانت بین کتابخانه‌ها - شرکت نمی‌کردند، و حتی تلاش‌های متخصصان کتابداری نیز برای تغییر این وضعیت موفقیت‌آمیز نبود. اما در آخرین دهه‌های سده ۲۰ این شرایط به نحو چشمگیری تغییر کرد، زیرا از یک سو شرایط اجتماعی - فرهنگی تغییر کرد و کتابخانه‌های ملی نیز از تغییرات برکنار نماندند. از سوی دیگر تعداد افراد و سازمان‌های درگیر با علم و تکنولوژی افزایش یافت و این افزایش فزاینده نیازمند گسترش و توسعه منابع اطلاعاتی چاپی - به‌خصوص منابع مرجع - داخلی و خارجی بود و کتابخانه‌های قدیمی در حالی با این درخواست‌های فزاینده روبه‌رو شدند که از نظر دسترسی به منابع با محدودیت شدید روبه‌رو بودند. در پاره‌ای از زمینه‌های علمی و تکنولوژیکی، رقابت شدیدی میان کشورهای بزرگ جهانی به وجود آمده بود، مانند فعالیت‌های فضایی و دسترسی به انرژی هسته‌ای. کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی دوم سخت‌تر درگیر بازسازی کشورشان بودند و از آنجا که کتابخانه ملی وابسته به دولت است و از بودجه ملی تغذیه می‌کند، در چنان شرایطی، اکثر کتابخانه‌های ملی بودجه‌های لازم برای ایفای نقش خود را دریافت نکردند، و این در حالی بود که تعداد کتاب‌هایی که در سراسر جهان منتشر می‌شدند از نظر تعداد و نوع افزایش چشمگیری یافته بود و این روند ادامه داشت.

افزایش تعداد و تنوع انتشارات در سطح ملی و بین‌المللی کتابخانه‌های ملی را با مشکل روبه‌رو کرد. انتخاب کتاب از میان انبوه کتاب‌هایی که در خارج از کشور منتشر می‌شد نیاز به نیروی انسانی متخصص و با تجربه و صرف وقت داشت. به‌علاوه تهیه و خرید کتاب‌هایی که انتخاب می‌شدند نیازمند بودجه بیشتری بود و کتابخانه‌ها عمدتاً فضای لازم را برای فراهم‌آوری کتاب‌های جدید در اختیار نداشتند. نرخ افزایش کتاب‌های تازه بسیار بیشتر از نرخ افزایش فضای مخزن‌ها بود. سازماندهی و آماده‌سازی مجموعه‌ها و آماده کردن فهرست‌ها هم بر دشواری کار می‌افزود. این مشکلات، رفته‌رفته، آن قدر زیاد شد که

کتابخانه‌های ملی قادر نبودند بنابر برنامه‌ریزی‌هایی که کرده بودند کتاب‌های خریداری‌شده را به‌موقع سازماندهی و آماده‌سازی کرده و در اختیار مراجعه‌کنندگان خود قرار دهند. در مورد انتشارات داخلی نیز اگرچه برای تهیه کتاب‌ها مشکل مالی و بودجه وجود نداشت، ولی در این مورد هم مشکلات کمبود جا و فضا، سازماندهی و آماده‌سازی منابع به قوت خود باقی بود، به‌خصوص که در مورد انتشارات داخلی که از طریق «واسپاری» به کتابخانه‌های ملی تحویل داده می‌شد ضریب «جامعیت» صددرصد بود و کتابخانه موظف بود که کلیه انتشارات داخلی را فراهم آورد.

در یکصد و پنجاه سال اول عمر کتابخانه‌های ملی، اتفاق مهم دیگری که رخ داد رشد کتابخانه‌های تخصصی بود که از حاصل پیشرفت علم و تکنولوژی و افزایش تعداد محققان و کارآفرینان و طبیعتاً نیاز فزاینده به اطلاعات این کتابخانه‌ها در حوزه‌های علوم و تکنولوژی و اقتصاد، نسبت به کتابخانه‌هایی که مجموعه‌های عام داشتند از جمله کتابخانه‌های ملی بود، و مزایایی به همراه داشت. این مزایا پیش از هر چیز در محتوا و نوع مجموعه‌های آنها نهفته بود. مجموعه‌های آنها - در مقایسه با مجموعه کتابخانه ملی - از نظر موضوعی محدودتر بود ولی در عوض از عمق بیشتری در آن موضوع برخوردار بود و به بیان دیگر تخصصی‌تر بود. گزارش‌های علمی و پیاپی‌هایی که این کتابخانه‌ها تهیه می‌کردند عمدتاً در مجموعه‌های کتابخانه‌های ملی دیده نمی‌شد. کتابخانه‌های تخصصی در ارائه خدمات به مراجعه‌کنندگان خود از برتری و مزایایی بهره‌مند بودند از جمله سرعت در تحویل منابع، گسترده‌تر و تخصصی‌تر بودن منابع مرجع و گسترش پر دامنه خدمات اطلاع‌رسانی و کسب رضایت بیشتر خوانندگان.

اما در قرن ۲۰ چند رویداد مهم در کتابداری جهانی سبب شد کتابخانه‌های ملی نسبت به فعالیت‌ها و کارکردهای خود تجدید نظر کنند. این رویدادها را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد:

۱. رویدادهای خارج از حوزه کتابداری. شاید بتوان گفت که قاطع‌ترین عامل در تغییر فعالیت و کارکرد کتابخانه ملی - در سده بیستم - توسعه علم مدرن بود که هم در موضوعات آثار چاپی منتشره و هم در محتوای نیاز و درخواست‌های مراجعه‌کنندگان به کتابخانه‌ها خود را نشان داد. تشعب و وحدت - که از خصیصه‌های علم مدرن هستند، بر حجم انتشارات در سطح ملی و جهانی تأثیری مستقیم گذاشتند

و آن را به نحو شگفت‌آوری نسبت به گذشته افزایش دادند؛ به‌خصوص که تعداد کتاب‌ها و مقالاتی که به موضوع‌ها و شاخه‌های ریزتر دانش اختصاص داشتند بیشتر شده بودند. این رویداد، فراهم‌آوری منابع خارجی را در کتابخانه‌های ملی بسیار پیچیده‌تر کرده است. انتخاب بهترین و مهم‌ترین آثار چاپی از میان آن حجم عظیمی که منتشر شده‌اند کاری است کارستان. به کار گرفتن معیارهای انتخاب کتاب قرن نوزدهم ضریب «جامعیت» را در انتخاب کتاب کم می‌کند و بسیاری از آثار مهم را که برای کتابخانه ملی انتخاب نمی‌شوند از دست می‌دهد، و در مقابل به کارگیری معیارهای مبتنی بر علم مدرن موجب می‌شود که کتابخانه ملی به نوعی کتابخانه تخصصی بدل شود.

از سوی دیگر وحدت در علم و به وجود آمدن علوم میان رشته‌ای، یعنی شاخه‌هایی از علم که از «ترکیب» یا «مجاورت» چند شاخه علوم ایجاد شده‌اند، مانند «سیرنیتیک» یا «بیوشیمی» هم در انتخاب منابع برای کتابخانه ملی پیچیدگی ایجاد کرده است. از این‌رو بنظر رسید شاید مناسب‌ترین روش آن باشد که کتابخانه‌های ملی هم خود را در بخش‌های مختلف علوم خاص، علوم عملی، و فناوری به تهیه و گردآوری منابع مرجع و تاریخ این حوزه‌ها اختصاص دهند و گردآوری و تهیه منابع متن را به کتابخانه‌های تخصصی واگذارند.

تشعب و وحدت در علم مدرن در تخصصی شدن کار محققان نیز تأثیر گسترده‌ای گذارده است و بر حسب تخصصی‌تر شدن دانش آنها و جهت‌گیری در مسائل ریزتر، کار کتابخانه‌ها علمی‌تر گردید و در نتیجه در نیازها و علایق مراجعه‌کنندگان کتابخانه‌ها و آثاری که در قالب کتاب یا مقاله تولید و منتشر می‌کنند تغییراتی ایجاد کرد. کتابخانه‌های ملی خود را با این تغییرات کمی و کیفی هماهنگ کردند تا جایی که شاهد تأسیس کتابخانه‌های ملی تخصصی در پاره‌ای از کشورهای پیشرفته هستیم؛ مانند کتابخانه ملی پزشکی، کتابخانه ملی کشاورزی و کتابخانه ملی تاریخ.

تشعب و وحدت علم مدرن و تخصصی‌تر شدن حوزه فعالیت‌های محققان شرایط جدیدی را ایجاد کرد که فعالیت‌ها و کارکردهای کتابداری پاسخگوی نیازهای محققان جدید نبود. حجم عظیم مقالات و گزارش‌های علمی و جزوات تحقیقاتی نیازمند روش‌های جدیدی برای ذخیره و بازیابی اطلاعات بودند و افزایش عظیم منابع مرجع و امکانات فناوری جدید موجب تحولی عظیم در بخش مرجع کتابخانه‌ها شد. این تغییرات و تحولات موجب تغییر و تحول در کتابداری و نظام کتابخانه‌ها شد

که مسیر آن را در ایجاد و رشد کومانتاسیون و علم اطلاع‌رسانی مدرن می‌بینیم. کتابخانه‌های ملی توانستند نقش بزرگی در این فرایند ایفا کنند و این مهم انجام شد چون کتابخانه‌های ملی از حالت سنتی و انزوای خود بیرون آمدند، در این اینصورت با توجه به رشد کتابخانه‌های تخصصی، احتمال زیادی وجود داشت که کتابخانه‌های ملی در آینده، به آرشیوهای انتشارات ملی کشورشان بدل شوند و به صورت نهادهایی «راکد» که به زمان گذشته تعلق داشتند درآیند.

بدین ترتیب تحولات خارج از حوزه کتابداری از جمله تشعب و وحدت علم نوین، پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات (که به انقلاب اطلاعات و ارتباطات انجامید)، انفجار انتشارات، پرهزینه بودن تهیه منابع مرجع کتابخانه‌های ملی را بر آن داشت که به انزوای خود پایان دهند و در عرصه کتابداری کشورشان نقشی بزرگ بر عهده بگیرند.

۲. فعالیت‌ها و کارکردهای جدید کتابخانه‌ها و تغییرات چشمگیر در حوزه کتابداری نیز در تحول کتابخانه‌های ملی مؤثر بودند. افزایش عظیم انتشارات عملاً کتابخانه‌ها را در فراهم‌آوری آنها با مشکلات جدی روبه‌رو کرد. نخستین و شاید بزرگ‌ترین مشکل کمبود بودجه لازم برای تهیه منابع بود. در مرحله بعد برای سازماندهی منابع گردآوری‌شده کتابخانه‌ها با کمبود نیروی انسانی متخصص و همان‌طور که گفته شد، به دلیل تشعب و وحدت در علم مدرن و تخصصی‌تر شدن انتشارات از یک سو و حجم عظیم انتشارات مقالات علمی از سوی دیگر، با مشکل نارسایی نظام‌های ذخیره و بازیابی متداول در نیمه اول قرن بیستم روبه‌رو شدند. به‌خصوص با به کارگیری فناوری‌های جدید و ارائه راهکارهایی چون نظام امانت بین کتابخانه‌ها، اشتراک در منابع و امثال آنها، ضرورت تغییرات بیش از پیش احساس می‌شد. انجام چنین طرح‌ها و پیشنهادات بزرگ نیازمند بودجه، امکانات مالی، هماهنگی و همکاری میان کتابخانه‌ها بود. در این شرایط کتابخانه‌های ملی توانستند با بهره‌گیری از حمایت‌های دولتی و نقشی ورای کتابخانه‌ها با این مشکلات به مبارزه برخیزند که حاصل آن را در گسترش نظام‌های رده‌بندی، استاندارد کردن قواعد ذخیره و بازیابی و فراهم آوردن هماهنگی فعالیت‌های کتابداری و مرکزیت در بسیاری از خدمات کتابداری شاهدیم. در بسیاری از موارد این توسعه از سطح ملی نیز گذشته و به صورت فعالیت‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی در آمده است، به‌خصوص در دو دهه اخیر که به برکت پیشرفت فناوری اطلاعات و بهره‌گیری از اینترنت حجم این همکاری‌ها در سطح بین‌المللی افزایش

کتابخانه‌های ملی لااقل در یکصدوپنجاه سال اول توسعه‌شان، سیاست‌هایی نسبتاً محافظه‌کارانه در ارائه خدماتشان به عموم داشتند

قاطع‌ترین عامل در تغییر فعالیت و کارکرد کتابخانه ملی - در سده بیستم - توسعه علم مدرن بود که هم در موضوعات آثار چاپی منتشره و هم در محتوای نیاز و درخواست‌های مراجعه‌کنندگان به کتابخانه‌ها خود را نشان داد

زیادی یافته است.

این نقش کتابخانه ملی فقط به خدمات مستقیم کتابداری مربوط نمی‌شود، بلکه برای به ثمر رساندن هماهنگی و همکاری لازم میان کتابخانه‌ها و به روز آوردن منابع و دانش نیروی انسانی در برنامه‌ریزی نظام ملی کتابداری، آموزش نیروی انسانی و بهره‌گیری از فناوری نوین اطلاعاتی نیز کتابخانه ملی نقشی به سزا بر عهده دارد.

در نخستین دهه سده ۲۱، علاوه بر محمل‌های مختلف نوشتاری، منابع دیداری - شنیداری کتابخانه‌های ملی وظیفه اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشیدن به اقشار مختلف جامعه را برعهده دارند. ملت‌ها در عین اینکه ناچارند در دنیای زندگی کنند که به قول مک لوهان دهکده‌ای جهانی است، ولی باز هم باید در حفظ و صیانت هویت ملی خود کوشا باشند. فناوری نوین اطلاعات/ارتباطات شرایط تازه‌ای را فراهم آورده است که امکان حفظ و نگهداری و ارائه خدمات منابع را به صورت مجازی و حقیقی برای کتابخانه‌های مختلف فراهم کرده است. در این شرایط وظایف و نقش کتابخانه ملی هم دستخوش تحولات شگرفی شده است. موريس لاین^۱ در مدخل «کتابخانه‌های ملی» در دایرةالمعارف جهانی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی (ترجمه فارسی این مقاله در دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی آمده است) وظایف کتابخانه‌های ملی را به چهار گروه تقسیم می‌کند: تولید ملی، خدمات ملی، برنامه‌ریزی و نظارت ملی و رهبری ملی؛ به اعتقاد او به‌رغم تنوع و گستردگی وظایف کتابخانه‌های ملی در سرتاسر جهان، یک فعالیت در همه آنها مشترک است و آن هم گردآوری و حفاظت منابع چاپی تولیدشده در کشور متبوعشان است.

شاید بهتر باشد - با در نظر گرفتن شرایط نشر و اشاعه اطلاعات - به جای «منابع چاپی» از عبارت «منابع چاپی، صوتی و تصویری» استفاده کنیم تا گردآوری و حفاظت منابع صوتی و تصویری (نوار، انواع کاست و لوح فشرده صوتی و تصویری) را نیز در بر بگیرد. این وظیفه گردآوری به برکت قانون واسپاری که تولیدکنندگان را موظف می‌کند یک یا چند نسخه از آثار تولیدی (چاپی، صوتی یا تصویری) خود را به کتابخانه ملی کشورشان اهدا کنند، جامعه عمل پوشیده است. در بعضی از کشورها کتابخانه‌های ملی حتی می‌کوشند تا دست‌نویس مؤلفان کشور متبوعشان را نیز گردآوری کنند و آنها را در آرشیوهایی برای آیندگان نگهداری کنند. حاصل این وظیفه مهم تهیه و انتشار «کتاب‌شناسی ملی» کشور

است که امروزه به صورت چاپی یا الکترونیکی در اختیار محققان و کتابخانه‌ها قرار می‌گیرد. این در واقع عملکرد وظیفه کتابخانه‌های ملی در حوزه تولید ملی است.

در حوزه خدمات ملی، وظایفی مانند فهرست‌نویسی و رده‌بندی پیش از انتشار، تهیه برگه‌های فهرست‌نویسی برای کتابخانه‌ها تأمین مدرک برای کتابخانه‌ها، و مدیریت مبادله بین‌المللی انتشارات (گاهی در سطح ملی) را شامل می‌شود. آنچه موريس لاین می‌گوید بخشی از خدماتی است که کتابخانه‌های ملی کشورهایی که زبان و فرهنگ غیر لاتین دارند انجام می‌دهند؛ به عنوان مثال کتابخانه ملی ایران برای آنکه بتواند فهرست‌نویسی پیش از انتشار را انجام دهد و یا برگه‌های فهرست‌نویسی برای کتابخانه‌های ایران تهیه کند، ابتدا لازم بود کارهایی پژوهشی انجام دهد. اهم این کارها عبارت بودند از ترجمه قواعد جهانی فهرست‌نویسی به زبان فارسی و تطبیق آن با مسائل فرهنگی و اجتماعی ایران، تدوین و تألیف سرعنوان موضوعی فارسی، تهیه جدول‌های نام نویسنده‌گان، کاتر، تهیه و تدوین فهرست مستند اسامی (شخصیت‌های حقوقی و حقیقی)، گسترش پاره‌ای از بخش‌های رده‌بندی‌های دهدهی دیویی و کتابخانه‌کنگره مطابق با فرهنگ، زبان، مسائل اجتماعی ایران. این کارهای تحقیقی و تألیفی هم به هزینه و بودجه زیادی نیاز دارد و هم به نیروی انسانی متخصص، تا آن حد و میزانی که از عهده کتابخانه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی کتابداری ایران بیرون است و باید کتابخانه ملی این کارهای مهم و اساسی را انجام دهد و تداوم بخشد. واژه «ملی» که پس از نام «کتابخانه» می‌آید هم بر اعتبار آن می‌افزاید و هم نشان می‌دهد که هر آنچه انجام می‌دهد باید در سطح «ملی» باشد.

ارائه خدمات به اشخاص را می‌توان بخشی از فعالیت‌های خدمات ملی دانست؛ مشاوره، امانت مستقیم (که با امانت بین کتابخانه‌های متفاوت است) و تهیه فتوکپی از آن جمله‌اند. به‌طور کلی امکان دستیابی شهروندان کشور به مجموعه‌هایی که کتابخانه ملی گردآوری می‌کند (منابع کتابی و غیرکتابی) از وظایف مهم کتابخانه ملی است. برای انجام چنین مهمی کتابخانه ملی نمی‌تواند فقط به گردآوری منابع کتابی و غیرکتابی که در کشور متبوعش منتشر می‌شوند قناعت کند. فراهم‌آوری مهم‌ترین آثار انتشاراتی خارجی با در نظر گرفتن نیازهای اطلاعاتی کشور و رعایت وظایف سایر کتابخانه‌های (تخصصی، دانشگاهی) کشور می‌تواند به این رسالت کتابخانه‌ای ملی، یعنی اشاعه اطلاعات و امکان

دستیابی شهروندان به منابع مورد نیازشان کمک کند. حوزه سوم وظایف کتابخانه ملی شامل برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت ملی است. تدوین خط‌مشی فراهم‌آوری ملی، نظام امانت بین کتابخانه‌های، پایگاه خدمات کتاب‌شناختی ملی، آموزش کتابداری، و پژوهش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی مصداق وظایف نوع سوم است. کتابخانه ملی می‌تواند در اشتراک در منابع، میان کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی نقشی مهم داشته باشد.

کتابخانه ملی با بهره‌گیری از امکانات قانونی که دولت برایش فراهم می‌آورد و برخورداری از بودجه و نیروی انسانی قادر است خدمات لازم را برای سایر کتابخانه‌ها فراهم آورد و در تمام مقام مرکزی واری همه کتابخانه‌های کشور هماهنگی لازم را میان کتابخانه‌ها ایجاد کند و نقش «کتابخانه مادر» را بر عهده داشته باشد، بی‌آنکه از استقلال انواع کتابخانه‌ها بکاهد.

برای به‌کارگیری امکانات فناوری نوین اطلاعاتی در کتابداری کشور (در قالب نرم‌افزارهای تخصصی کتابداری و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی ملی) و به‌خصوص ایجاد حافظه ملی و دیجیتالی کردن منابع چاپی، کتابخانه‌های ملی نقش بسیار مهم و وظیفه‌ای بس خطیر بر عهده دارند. تهیه و تدوین نظام ملی کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور بر دوش کتابخانه ملی است و با تدوین و تهیه چنین نظامی می‌تواند موجب برپایی و همکاری کتابخانه‌های کشور باشد.

اغلب کتابخانه‌های ملی در مجامع بین‌المللی کتابداری عضویت و فعالیت دارند و می‌توانند با کتابخانه‌های کشورهای دیگر ارتباط و همکاری تنگاتنگی داشته باشند و در انتقال اطلاعات و تجربه در حوزه کتابداری کشور متبوعشان فعال باشند. لاین این چهارمین وظیفه کتابخانه ملی را، «رهبری ملی» می‌داند. به اعتقاد او رهبری ملی عبارت است از جمع‌آوری و نگهداری یک مجموعه پژوهشی غنی از انتشارات جهانی و ارائه خدمات در ارتباط با این مجموعه. اما چنین به‌نظر می‌رسد که اگر تدوین نظام ملی کتابداری و اطلاع‌رسانی، کمک به تربیت نیروی انسانی و روزآمد کردن دانش کتابداران را از طریق آموزش حین خدمت و ایجاد و راه‌اندازی طرح‌هایی چون امانت بین کتابخانه‌ها، ارائه خدمات مشاوره‌ای و اشتراک در منابع و نظایر آن‌ها را در نظر بگیریم، رهبری کتابخانه‌های ملی خیلی گسترده‌تر از آن است که لاین می‌گوید، یا لاقلاً در کشورهایی نظیر ایران چنین می‌نماید. علاوه بر وظایف چهارگانه که لاین می‌گوید

پاره‌ای از کتابخانه‌های ملی به‌خصوص در کشورهایی که از تاریخی کهن و پر بار برخوردار باشند - وظایف گردآوری و نگهداری نسخ خطی کشور متبوعشان را بر عهده دارند. ذخائر نسخ خطی از جهات مختلف هنری، تاریخی و محتوایی از اهمیت زیادی برخوردارند و گواه تاریخ فرهنگی آن کشور هستند. نگاهی به نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مهم در ایران گواه این مدعاست.

در پایان نخستین دهه هزاره سوم از برکت پیشرفت فناوری نوین اطلاع‌رسانی و بهره‌گیری از اینترنت و پیشرفت دانش و حجم عظیم اطلاعات، کتابخانه‌های ملی ناچارند در رسالت‌ها و وظایف خود تجدید نظر کلی کنند. شاید در آینده نقش «مادرانه» آن‌ها بیشتر و بیشتر شود و در مقام راهبر به ارائه برنامه‌ریزی و هماهنگی در آموزش و پژوهش و تدوین نظام ملی کتابداری و اطلاع‌رسانی بپردازند. لاین معتقد است کتابخانه‌های ملی در آینده در موضعی خواهند بود که بر توسعه و تحول کتابخانه‌ها و اطلاع‌رسانی کشور تأثیری عمیق به‌جای خواهند گذاشت. اگر آنها از این موقعیت استفاده نکنند دیگران این کار را انجام خواهند داد.

پی‌نوشت‌ها:

1. jamshidmg@yahoo.com
2. Biblioteca Marciana

مأخذ:

1. لاین، موریس. «کتابخانه‌های ملی»، ترجمه اشرف السادات بزرگی، دایرة‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج ۲. زیر نظر فریبرز خسروی، سر ویراستار ابراهیم افشار زنجانی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲۵-۱۵۳۱
2. Tyulina, Natalia. "National Libraries" translated from Russiana by Rosalin-d Kent, hn Encyclopedia of Library and Information Science, Executive editors Allen Ken, Harold Lancour, Jay E. Daily, vol.19. New York: Marcd Dekker, 1976. pp.94-113.

فناوری نوین
اطلاعات/ارتباطات شرایط
تازه‌ای را فراهم
آورده است که امکان
حفظ و نگهداری و ارائه
خدمات منابع را به صورت
مجازی و حقیقی
برای کتابخانه‌های مختلف
فراهم کرده است